

## نقد و تحلیل بازیگر شطرنج و جایگاه پریم‌چند در ادبیات داستانی

### معاصر هند

سعید بزرگ بیگدلی \*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد قاسم احمد \*\*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۴/۱۳، تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۱۱)

### چکیده

داستان‌پردازی و قصه‌گویی در سرزمین هند، سابقه‌ای طولانی دارد. آثاری چون «پنج تنتر»، «مهابهارت و راماین» که از داستان‌های مهم در تاریخ کهن هند به شمار می‌روند و شهرت جهانی یافته‌اند؛ گویای سابقه‌دراز دامن این نوع ادبی در سرزمین هندوستان است. زبان فارسی، اردو و هندی نزدیکترین زبان‌های امروزی جهان‌اند و از دیرباز تا به امروز بین این زبان‌ها داد و ستد وجود داشته و تحت تأثیر یکدیگر بوده‌اند. از میان نویسندگان و داستان‌سرایان برجسته معاصر هند، پریم‌چند (۱۸۸۰-۱۹۳۶م) به بنیانگذاری شیوه نوین داستان‌نویسی در ادبیات اردو و هندی معروف شده است و آثار وی علاوه بر شبه قاره هند و پاکستان، در کشورهای غربی نیز شناخته شده‌اند. پریم‌چند یکی از داستان‌نویسان واقع‌گرا (realist) در دوره معاصر ادبیات اردو و هندی است که در زمینه داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و غیره آثار برجسته‌ای از خود به جای گذاشته است. این مقاله کوشش دارد با بررسی و تحلیل آثار و دامنه نفوذ و تأثیر پریم‌چند، جایگاه وی را در ادبیات داستانی معاصر هند مشخص سازد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که از استقصاء در متن‌های داستانی پریم‌چند، به ویژه داستان «بازیگر شطرنج» و با استناد به آراء و نظریات منتقدان درباره اثرگذاری وی در دیگران و تحلیل این اظهارات، نقش و جایگاه او را ترسیم می‌سازد. اجمالاً نتیجه اولیه تحقیق نشان می‌دهد که پریم‌چند از حیث به کارگیری شیوه‌ها و شگردهای رئالیستی، با رویکرد مقاومت در برابر استعمار، برای بسیاری از داستان‌نویسان معاصر هند الگو قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی معاصر هند، پریم‌چند، بازیگر شطرنج.

\* تلفن: ۰۲۱-۸۲۸۸۴۶۶۳، دورنگار: ۰۲۱-۸۲۸۸۴۶۲۷، E-mail: bozorghs@modares.ac.ir

\*\* تلفن: ۰۲۱-۸۲۸۸۴۶۶۳، دورنگار: ۰۲۱-۸۲۸۸۴۶۲۷، E-mail: qasimgm@yahoo.com

## مقدمه

زبان فارسی، اردو و هندی نزدیک‌ترین زبان‌های امروزی جهان‌اند و از دیرباز تا به امروز بین این زبان‌ها داد و ستد وجود داشته و تحت تأثیر یکدیگر بوده‌اند. از میان نویسندگان و داستان‌سرایان برجسته معاصر، پریم‌چند (۱۸۸۰-۱۹۳۶م) به بنیانگذار شیوه نوین داستان‌نویسی در ادبیات اردو و هندی معروف است و آثار وی علاوه بر شبه قاره هند و پاکستان در کشورهای غربی نیز شناخته شده‌اند. پریم‌چند نویسنده‌ای واقع‌گرا و پرکار و زبان‌او در داستان‌هایش نزدیک به زبان مردم هند و آمیخته به الفاظ اردو، فارسی و هندی است. حتی عناوین بیشتر ژمان‌ها و مجموعه‌های داستانی او از جمله داستان‌های «سوز وطن»، «کفن»، «میدان عمل» و ... آمیخته به واژگان فارسی است.

زبان‌های هندی و ایرانی یکی از خانواده‌های مهم زبان بشری است که اعضای بی‌شمار آن در سراسر اروپا و قسمت پهناوری از آسیا، آمریکا و حتی اقیانوسیه و آفریقای جنوبی پراکنده شده‌اند، این خانواده زبانی «هند و اروپایی» به نام‌های مختلف «هند و هیتی»، «هند و ژرمنی» و «آریایی» نیز خوانده شده است. شماره بازماندگان این زبان اصلی که هم‌اینک در بخش اعظم جهان امروز، بدانها گفتگو می‌شود، از صد زبان هم افزون‌تر است. یکی از مهمترین شاخه‌های زبانی این خانواده، شاخه «هند و ایرانی» است. اقوام «هند و ایرانی» خیلی دیرتر از دیگر قوم‌های هند و اروپایی از یکدیگر جدا شدند و به همین دلیل نقاط مشابه و مشترک میان این دو قوم در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر زبان، اساطیر، عقاید و آداب و رسوم به طرز بارزی بیش از دیگر اقوام هند و اروپای است. بدین ترتیب زبان «هند و ایرانی» زبانی است که میان نیاکان هندیان و ایرانیان مشترک بود و چنان‌که از نام آن بر می‌آید؛ به دو شاخه اصلی «زبان‌های ایرانی» و «زبان‌های هندی» تقسیم می‌شود. زبان‌های «هندی کهن» و «ایرانی کهن» همراه با گذشت زمان و دخالت عوامل اجتماعی، هر یک به شاخه‌ها و شعبات متعددی تقسیم می‌شوند و می‌توان گفت که زبان‌ها و گویش‌های ایرانی یکی از متنوعترین شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی به شمار می‌روند (باقری ۳۳-۳۴).

سابقه داستان‌پردازی و قصه‌گویی در سرزمین هند به هزاران سال پیش برمی‌گردد، چنان‌که برخی معتقدند داستان‌نویسی در جهان از هند تأثیر پذیرفته است (کنول ۱۶۱). پنجتترا، مهابهارت و راماین داستان‌های مهمی در تاریخ قدیم هند به شمار می‌روند. سنسکریت قدیمترین زبان هند است. در هند به زبان سنسکریت داستان‌های معروف بسیار زیادی نوشته شده است؛ داستان‌هایی که فرهنگ هند را به خوبی تصویر می‌کنند. محققان می‌گویند قبل از سال ۵۰۰

میلادی، داستانی به نام «بهرت» نوشته شده بود که شاهکار هند محسوب می‌شد. در سال ۱۱۰۰ میلادی «سوم دیو» داستانی معروف به نام «کتهاسرت» نوشت. در دوران ۱۲۰۰ میلادی تا ۱۴۰۰ میلادی داستانی به نام بیچ بیتال پچسی نوشته شد.

چون زبان‌های هندی، اردو و فارسی نزدیک‌ترین زبان‌ها بوده‌اند، داستان‌های ایرانی بسیاری به زبان هندی و اردو ترجمه شده است. همچنان‌که بسیاری از داستان‌های معروف فارسی که در هندوستان یا ایران نگاشته شد، گاه اقتباس یا متأثر از داستان‌های هندی و یا ترجمه‌ای از آنهایند، داستان‌هایی مانند «کلیله و دمنه»، «داستان امیر حمزه»، «بوستان خیال»، «چهار درویش» و «گل بکاولی» و غیره از آن دسته‌اند. داستان‌نویسی به زبان اردو از جنوب هند آغاز شد. در سال ۱۶۳۵ میلادی به فرمان عبدالله قطب شاه، ملا وجهی، نویسنده معروف، داستانی تحت عنوان «سب رس» نوشت. این اولین داستان به زبان اردو در جنوب هند بود که یک شاهکار به حساب می‌آمد. تقریباً در سال ۱۸۰۰ میلادی در شمال هند به زبان اردو، اولین داستان به نام «قصه مهرافروز و دلبر» نوشته شد. در همین سال «میر محمد عطا حسین خان تحسین» داستانی به نام «نو طرز مرصع» نوشت و «مهرچند کهتری مهر» «نو آیین هندی» و پس از او، «شاه عالم» «عجایب القصص» را نوشتند. با تأسیس کالج «فورث ویلیم» در اواخر سال ۱۸۰۰ میلادی، گویا انقلاب بزرگی در عرصه داستان‌نویسی به زبان اردو اتفاق افتاد (همان ۱۶۲). درکنار این کالج باید از دو مرکز مهم دهلی و لکهنو نیز نام برد که در پدیداری داستان‌های دیگر به زبان اردو نقش داشتند.

در قرن نهم وقتی مسلمانان وارد شبه قاره هند شدند، به زبان عربی و فارسی و ترکی صحبت می‌کردند. آنها با خود فرهنگ و تمدن اسلامی را آوردند که با فرهنگ و تمدن هند درآمیخت. اما زبان آنان وسیله ارتباط با مردم هند نبود. پس رفته رفته زبانی، که آمیخته‌ای از زبان آنها و زبان محلی بود، پدید آمد که زبان اردو نام گرفت. وجه تسمیه زبان اردو اینست که در لشکر هندوستان که به آن اردو گفته می‌شد و در آن از نواحی مختلف هندوستان و خارج از هندوستان، سربازانی جمع شده بودند و الفاظ مختلف و لهجه‌های گوناگون داشتند، زبانی مخلوط از الفاظ و لهجه‌های خود و زبان محلی به وجود آوردند که به وسیله آن سخن می‌گفتند. بنابراین در اوایل این زبان، زبان لشکری بود و فقط ابزاری ارتباطی میان مسلمانان و مردم محلی را ممکن می‌ساخت، اما زبان ادبی و علمی نبود (کمار ۲۱۹).

این زبان در هم آمیخته را مسلمانان به هر جا که رفتند با خود بردند و به هر منطقه‌ای رفت، نام آن محل را به خود گرفت. اولین بار چارچوب این زبان در ایالت سند و ملتان (در

حال حاضر این دو ایالت در پاکستان است) شکل گرفت و سپس به پنجاب راه یافت. و بعد از دو قرن از پنجاب به دهلوی رسید و زبان‌های محلی دهلی را در خود جذب کرد و به زبان دهلوی مشهور شد. وقتی به ایالت گجرات رسید، زبان گجری نام گرفت، وقتی به ایالت دکن رسید زبان دکنی نام گرفت و خلاصه این‌که این زبان نام‌های مختلفی، به خود گرفت و در شعر هم به آن زبان ریخته گفته شد.

این زبان را از خانواده زبان‌های هند و آریایی جدید دانسته‌اند. این زبان رفته رفته جای خود را در ادبیات هند گشود، شاعران و نویسندگانی به این زبان روی آوردند از آن جمله گفته می‌شود که مسعود سعد سلمان (۱۰۴۲-۱۱۲۱م) اولین شاعر اردو زبانی است که اینک اثری از او به زبان اردو در دست نیست. اما امیر خسرو در دیباچه غره‌الکمال نوشته است (جین ۲۶) که او سه دیوان به زبان‌های فارسی، عربی و هندی داشته‌است. همچنین محمد عوفی در لب‌الالباب همین مطلب را تکرار کرده که «او را سه دیوان است: یکی به تازی و یکی به پارسی و یکی به هندوی» (عوفی ۲۴۶) همچنین ابوالحسن یمین‌الدین امیر خسرو (۱۲۵۳-۱۳۲۵م) در دیباچه غره‌الکمال خود نوشته است که «جزوی چند نظم هندی نذر دوستان کرده است» (جین ۲۷). امیر خسرو در شعر فارسی، اردو شیوه نوینی اختیار کرده بدین صورت که گاهی یک مصراع را به زبان فارسی و یک مصراع را به زبان اردو سروده است. و گاهی نصف مصراع را فارسی و نصف آن را اردو آورده است و گاهی هر دو مصراع را به زبان اردو سروده است.

ملا اسدالله وجهی (۱۶۵۹م) به قول کتاب «داستان سے ناول تک» (تولد ۱۵۶۶م، وفات ۱۶۶۰م) ملک الشعرا دربار محمد علی قطب شاه بود. او شاعری فارسی زبان بوده که کتاب داستانی «سب رس» را به زبان اردو از خود به یادگار گذاشته و این کتاب را چنان‌که گفتیم، اغلب محققان به عنوان اولین اثر منشور زبان اردو پذیرفته‌اند. این کتاب در سال (۱۶۳۵م) به چاپ رسیده است و در حقیقت تاریخ قصه‌نویسی در ادبیات اردو با همین کتاب آغاز می‌شود.

## بحث و بررسی

۱- زمینه‌ها و عوامل پیدایش ادبیات داستانی جدید هند و اشاره به تحولات آن  
آغاز ادبیات داستانی به سبک جدید در هندوستان به سال ۱۸۵۰ میلادی بر می‌گردد و تا

دهه چهارم قرن بیستم میلادی داستان‌نویسی هندی و اردو به بلوغ خود دست یافت. در واقع این سال مصادف بود با آغاز مبارزات استقلال‌طلبانه هند. اما این مبارزات هنوز نه جنبه کاملاً ملی داشت و نه جنبه کاملاً سیاسی، بلکه جدالی بود بین فئودالیزم و سرمایه‌داری. دوره فئودالیزم به مرور زمان به سر آمده بود، و این مسأله به همراه حضور انگلیسی‌ها در هند، روشنفکران را دوباره به فکر آزادی هندوستان می‌انداخت. از طرف دیگر، انگلیسی‌ها را هم مجبور به مدرن‌سازی هند می‌کرد. در سال ۱۷۵۷ میلادی نبرد سراج‌الدوله نواب بنگال در «پلاسی» با انگلیسی‌ها روی داد و سرانجام منجر به شکست او شد و حکومت انگلیسی‌ها در بنگال آغاز شد. در سال ۱۷۶۴ میلادی در جنگ «بکسر» پادشاه مغول یعنی «شاه عالم» باز هم از انگلیسی‌ها شکست خورده و حکومت انگلیسی‌ها بیشتر تثبیت شد. این نبردها و شکست در آنها زمینه‌های بازاندیشی در افکار و عقاید اجتماعی را در مردم هند زنده کرد و در واقع اولین قدم‌های مدرنیزم هندی با چنین آگاهی اجتماعی در هند برداشته شد؛ زیرا قبل از آن نظام اداره هند به صورت سنتی و پادشاهی بود و بعد از آن بود که روند امور سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی تغییر کرد و رویکرد تازه‌ای یافت. اما این روند نوسازی و نوگرایی اختصاص به شهرها داشت و در روستاها هیچ تحولی ایجاد نکرد (کمار ۱۱).

در این میان نویسندگان برای اصلاح و تربیت جامعه بسیار کوشش کردند. **چی شکر پرساد** و **پریم چند** توجه همه را به رابطه جامعه و مردم جلب نمودند. البته **چی شکر پرساد** مردم را محور تحولات می‌دانست و پریم چند جامعه را مرکز توجه خود قرار داده تحول جامعه را در تغییر و تحول اوضاع زندگی مردم مؤثر می‌دانست. به وسیله آثار نویسندگان، زبان هندی و اردو به اوج شکوفایی خود رسید. بیشتر نویسندگان، زبان گفتاری و روزمره مردم را زبان نوشته‌های خود قرار دادند. این دهه و دهه قبل از آن، دوره بیداری سیاسی بود. اکثر نویسندگان از افکار مهاتما گاندھی تأثیر پذیرفته بودند و همان اندیشه‌ها در آثار آنان راه یافت. واژگان بسیاری از زبان اردو و فارسی وارد زبان هندی شد و به ضرب‌المثل‌ها نیز توجه خاصی مبذول گردید. علاوه بر آن در نوشته‌های **چی شکر پرساد** کاربرد کنایه و تشبیه نیز فراوان است و او نوعی نثر منظوم را آفریده است، اگرچه او به اندازه پریم چند در عرصه داستان‌نویسی مشهور نشده، اما از نظر ادبی نوشته‌های او دارای اهمیت است. غیر از مضامین اجتماعی در این دوران به موضوعات تاریخی و اساطیری و به خصوص اخلاقی هم بسیار توجه شده است.

انگلیسی‌ها در نظام اقتصادی هند، تغییرات عمده‌ای به وجود آوردند؛ زیرا منافع زیادی را

برای اهداف استعماری آنها در برداشت. اما در روستاها نیازی به این دگرگونی‌ها مشاهده نشد و نظام فئودالی همچنان ادامه و مجدداً با نظام بورژوازی سامان یافت. در نتیجه فئودال‌ها پشتیبان و حامی انگلیسی‌ها شدند؛ زیرا اختیارات خود را مدیون انگلیسی‌ها می‌دانستند. انگلیسی‌ها، خواسته یا ناخواسته، امتیازاتی را به طبقات مرفه اجتماعی (خواص) دادند، زیرا دوام خود را به پایداری آنان مربوط می‌دانستند، به همین دلیل خود را ملزم به حمایت از آنان می‌دانستند. درحالی که همین طبقات که بیشترین امکانات مادی و معنوی را در اختیار داشتند، بعدها از پیشروان آزادی شدند. در زمینه ادبیات و هنر نو نیز همین خواص پیشرو بودند، زیرا عوام از سواد و معارف بی‌بهره بودند و نظام نژادپرستی مذهبی در هند به گونه‌ای عمل می‌کرد که به همه اجازه آموزش نمی‌داد (همان ۱۲).

در اواخر قرن هیجدهم میلادی، جامعه هند به واسطه حضور انگلیسی‌ها با علوم نوین و تکنیک آشنا شد؛ علومی که قبلاً در هند سابقه‌ای نداشت. در گذشته ادبیات و علوم رایج در هند، به طور عمده پیرامون عرفان و درون‌گرایی بود، اما هدف علوم غربی، برون‌گرایی، اقتصاد فعال و آسایش و رفاه بود. همچنین آموزش در هند پیش از آن مصروف نیازهای طبقه حاکم می‌شد، با توجه به وجود این واقعیت‌ها در جامعه هند، استعمار انگلیس از بی‌توجهی طبقه حاکم و بی‌اطلاعی مردم در جهت اهداف خود بهره گرفت و بعد از ورود انگلیسی‌ها، آموزش غربی در هند برای طبقه متوسط به صورت عمومی درآمد و حتی در روستاها مردم تشویق به آموزش شدند. در سال ۱۸۳۵ میلادی «لرد میکاله» انگلیسی، زبان انگلیسی را به جای زبان فارسی، زبان حکومتی-اداری هند قرار داد و به این وسیله زبان جدید، که بار فرهنگی خاصی را با خود حمل می‌کرد، موجد فرهنگ و تفکر تازه‌ای در هند شد. «لرد میکاله» روش آموزشی هندوان و مسلمانان هند را مورد انتقاد قرار می‌داد و معتقد بود که نه زبان آموزشی مسلمانان؛ یعنی عربی زبان مردم هند است و نه زبان آموزشی هندوها یعنی سنسکریت، زبان مردم هند است. بنابراین برای تغییر و یکپارچه‌سازی آن، زبان انگلیسی را پیشنهاد کرد. البته با ظهور پیشروان ادبی مانند «بهارتندو» و دیگران، این زبان کاملاً پذیرفته نشد و زبان تازه‌ای در مقابل آن پا گرفت که مخلوطی از فارسی و اردو و زبان محلی «بریج» بود و به آن «کهری بولی» می‌گفتند. این زبان که پایه زبان امروز هندی است، نخست در شهرها رواج یافت و در روستاها همان زبان قبلی؛ یعنی «بریج» معمول بود که هنوز هم در روستاهای ایالت اترپردیش کاربرد دارد (حسینی ۳۰).

با توجه به آنچه گذشت آثاری داستانی نیز در این عصر نوشته شده است که در واقع

دوران گذار از داستان‌های سنتی به سوی داستان‌های مدرن در ادبیات هند است. «مظهر علی» با کمک «للولال»، کتاب «بیتال پچیسی» و «کاظم علی» کتاب «سنگاسن بتیسی» (افسانه طلسم‌آمیز) را تألیف کرد. در سال ۱۸۲۴ میلادی نویسنده انگلیسی آدامز، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه را به نام «داستان‌های حدیثی» تألیف کرد و انجمن «کتب آگره» در سال ۱۸۴۰ میلادی کتابی به نام «نور علم» را به چاپ رساند. توسعه زبان و نشر هندی از طریق روزنامه‌ها، کتاب‌های درسی و نهضت‌های مذهبی تحقق یافت و در استقلال هند نیز نقش عمده‌ای بر عهده گرفت و عامل وحدت هند شد. اما ادبیاتی که در این دوره به وجود آمد، خام بود و از نظر ادبی ارزش چندانی نداشت و بیشتر تأثیر تاریخی آن دارای اهمیت بود (نقوی ۲۵).

یکی دیگر از کسانی که در جامعه ادبی هند تأثیر گذاشت، «پرتاپ ناراین مشر» (۱۸۵۶-۱۸۹۴م) بود که در مجله «برهمن پتر» (نامه برهمن) مقاله می‌نوشت. زبان او به زبان مردم روستا نزدیک بود. طنز قوی و بسیار تأثیرگذاری داشت. مقالاتی تحت عنوان «رشوت» (رشوه)، «دیش انتی» (رشد کشور)، «دهرتی ماتا» (مادر زمین)، «پولیس کی نیندا کیوں کی جاتی ہے» (چرا از پلیس انتقاد می‌شود) از او به چاپ رسید که یادآور تلاش دلسوزانه او در بیداری مردم جامعه بود. علاوه بر بهارتندو و ناراین مشر که از نویسندگان زمان او بود، یک نویسنده معروف دیگر در دوره «بهارتندو» در اشاعه افکار نو و بیداری مردم مؤثر بود که «بال کرشن بهت» (۱۸۴۵-۱۹۱۵م) نام داشت. «پنڈت بدري ناراین چودھري» مشهور به پریم گهن نیز نویسنده‌ای بود که در مجله‌های «آند»، «کادامبني» و «ناگري نیرد» مقاله‌های بسیاری نوشت. او حامی افکار و اندیشه‌های بهارتندو بود و در مقالاتش از سیاست انگلیسی‌ها انتقاد می‌کرد. علاوه بر این نویسندگان دیگری نیز در بیداری افکار مردم و روشنگری جامعه نقش داشتند که بعضی از آنها عبارتند از: سجاد حیدر یلدرم، سلطان حیدر جوش، مجنون، جلیل قددائی، اختر رام پوری، عظیم بیگ چغتائی، ملا رموزی، شوکت تھانوی، رشید احمد صدیقی، فیاض محمود، سید سجاد ظہیر، احمد علی و محمد حسن عسکری (رئیس، ۱۹۹۲، ۸۹).

## ۲- داستان نویسان قرن بیستم

«آچاریارامچندر» در کتاب «تاریخ ادبیات نوین هندی»، از شش داستان به عنوان داستان‌های آغازین این دوره نام می‌برد: ۱- اندومتی، از کشوری لال گوسوامی (۱۹۰۰م) ۲- گلہار، از کشوری لال گوسوامی (۱۹۰۲م) ۳- پلیک کی چڑیل (دبو طاعون) از بهگوان داس

(۱۹۰۲م) ۴- گیاره ورس کاسمی (مدت یازده سال) از رامچندر شکل (۱۹۰۳م) ۵- پنڈت اور پنڈتانی (روحانی هندو و همسرش) از گیرجادت واجپی (۱۹۰۳م) ۶- دهلای والی (زن رختشو) از بنگ محیلا (۱۹۰۷م). از این میان داستان اندومتی از کشوری لال گوسوامی که در ژانویه ۱۹۰۰ میلادی نوشته شد و در مجله سرسوتی به چاپ رسید، به دلیل این که در آن زمان تفاوتی بین رمان و داستان کوتاه قائل نبودند و در ضمن قدیم‌تر از دیگر داستان‌های مذکور بود، به عنوان اولین داستان جدید شناخته شد (کمار ۲۲).

جریان‌های مختلفی همچون تأسیس کالج فورث ویلیم، کالج دپلی سوسایٹی روزنامه‌ها و مجلات، چاپخانه، نهضت علیگره و نثر ساده سر سید احمدخان و الطاف حسین حالی و عبدالحلیم شرر، تألیف کتاب‌های آموزشی، آشنایی با زبان انگلیسی و آثار نویسندگان طراز اول آن، موجب شد که علاوه بر رمان، توجه به داستان کوتاه نیز در ادب اردو بیشتر شود، همچنین تحولات اجتماعی و سیاسی محتوای این آثار را نیز تغییر داد.

پیش‌تر، در بعضی از داستان‌های بلند، مانند فسانه عجایب از میرزا رجعلی سرور و فسانه آزاد از پنڈت سرشار، در کنار داستان اصلی، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه نیز به چشم می‌خورد، اما گروهی داستان کوتاه را در زبان اردو اقتباس از غرب می‌دانند. در حالی که م. اسلم (ایم. اسلم) که بالغ بر صد کتاب نوشته است، در یکی از مجموعه‌های داستان کوتاه خود به نام «حقیقتین اور حکایتین» اشاره می‌کند به این که نه تنها مسلمانان داستان کوتاه را از غرب اقتباس نکرده‌اند، بلکه این اروپاییان بوده‌اند که داستان کوتاه را از مسلمانان گرفتند (آژند ۱۷۱).

اما به هر صورت، آفریننده این نوع ادبی را، به معنای جدید آن، در ادب اردو باید پریم چند (۱۸۸۰-۱۹۳۶م) دانست. او نویسنده‌ای دو زبانه بود، اما چون نوشته‌های او به زبان اردو با توفیق چندانی رو به رو نشد، به نوشتن داستان به زبان هندی روی آورد. او صاحب حداقل دوازده رمان و سیصد داستان کوتاه است. و به دلیل نقش مهمی که در داستان‌نویسی نوین هند ایفا کرده است، او را پدر ادبیات نوین هند می‌دانند. بسیاری از داستان‌های کوتاه او به صورت فیلم‌های داستانی از تلویزیون هند پخش شده و رمان «گودان» او نیز به صورت فیلم سینمایی در آمده و به روی صحنه رفته است.

مجله سرسوتی در چاپخانه‌ای به همین نام چاپ می‌شد و گروهی ۵ نفره تا سال ۱۹۰۰ میلادی اداره آن را بر عهده داشتند که یکی از آنها هم کشوری لال گوسوامی بود. داستان او هم در همین مجله به چاپ رسید. بعدها «جیے شنکر پرساد» و «پریم چند» از جمله کسانی بودند که



به داستان‌نویسی خدمات زیادی کردند و سبک و شیوه خاصی در نوشتن ایجاد کردند که موجب استحکام و عمق نویسندگی شد و بعدها نویسندگان بسیاری از آنها الگو گرفته و پیرو آنان شدند. به این ترتیب داستان به شیوه مدرن که حدوداً از سال ۱۹۰۰ میلادی تولد یافته بود در سال ۱۹۱۸ میلادی به بلوغ خود نزدیک شد و انواع شیوه‌های داستان‌نویسی قوام گرفت.

«جی شنکر پرساد» از پایه‌گذاران ادبیات نوین هند محسوب می‌شود و در سال ۱۸۸۹ میلادی در شهر کاشی از ایالت اترپردیش در خانواده‌ای توانگر به دنیا آمد. او آشنا به زبان‌های سنسکریت، هندی، اردو و انگلیسی بود. داستان‌های او بُعد عاطفی دارند، اما در مقایسه با آثار پریم‌چند، تأثیر کمتری بر خواننده می‌گذارند. علاوه بر این، نویسندگان دیگری نیز در جامعه نقش بسیاری داشتند که بعضی از آنها عبارتند از: چندر دهر شرما گلپری، ویشمبهر ناتھ کوشیک، سدرشن، چترسین شاستری، راج کرشن داس، پنڈت جوالادت شرما، پدم لال پنا لال بکشی، گوبند بلب پنت، چندی پرساد حیردی، جینندر کمار، یشپال، گشیر خان ثانی، شانتی جوشی، منوبه‌نداری، سجاد حیدر یلدرم، سلطان حیدر جوش، مجنون، جلیل قددانی، اختر راج پوری، عظیم بیگ چغتائی، ملارموزی، شوکت تھانوی، رشید احمد صدیقی، فیاض محمود، سید سجاد ظهیر، احمد علی و محمد حسن عسکری.

### ۳- زندگی و آثار پریم‌چند

«پریم‌چند» در سال ۱۸۸۰ میلادی در دهکده «لمپی» نزدیک شهر بنارس در ایالت اترپردیش متولد شد. نام اصلی او «نواب دهنپت راج» بود و «پریم‌چند» نام مستعاری بود که خود برگزید. به سبب پیشه نویسندگی به نام «منشی پریم‌چند» نیز معروف شد. پدرش منشی «عجایب لال شری واستو» و نام مادرش «آنندی» بود. دودمان او به قوم کایستها تعلق داشته است.<sup>۱</sup> پدرش مردی نیک و شیرین زبان و کارمند اداره پست بود (گوینکا ۳). پریم‌چند از هشت سالگی به سنت قوم کایستها به فراگرفتن زبان و ادبیات اردو و فارسی پرداخت. در همین دوران مادرش فوت کرد و پدرش دو سال بعد از فوت مادرش، دوباره ازدواج کرد. چند سال بعد پدرش هم فوت کرد و «پریم‌چند» مسئولیت خانواده را عهده‌دار شد. برای تحصیلات عالی به بنارس رفت و در حین تحصیل به تدریس خصوصی در خانه‌ها پرداخت (دیوی ۹).

۱- قوم کایستها در آیین هندو به طبقات بالا تعلق دارد. در آیین هندو چهار فرقه وجود دارد که عبارتند از: برهما، چتھری، کایستها و شودر. غیر از فرقه شودر، مابقی از طبقات بالا به شمار می‌آیند.

حدود ۲۱ سال داشت که در مدرسه‌ای دولتی در شهر پرتاپ‌گره به معلمی پرداخت، اما پس از چندی به شهر گورکھپور رفت و آنجا معلمی را ادامه داد. در دوران اقامت در گورکھپور به ادبیات علاقه‌مند شد و در همین دوران آثار نویسندگان معروف را مطالعه نمود.

اولین نمایشنامه ادبی او با عنوان «اولیور کرام ویل» به زبان اردو در روزنامه «آواز خلق» در سال ۱۹۰۳ میلادی در بنارس منتشر شد و در همان هفته‌ای که نمایشنامه اول او انتشار یافت، اولین رمان او به نام «اسرار معابد» به زبان اردو در روزنامه «آواز خلق» منتشر شد. در این رمان دربارهٔ پنڈت (روحانی معابد)، بدکاری، دروغ‌گویی و فریب‌کاری این گروه (روحانیان معابد) نوشت. در همین دوران با «دیاناراین نغم» مدیر ماهنامه اردو زبان «زمانه» ملاقات کرد. در مدت دوسال همکاری و دوستی با «دیاناراین نغم» عنوان برادر بزرگ ایشان را قبول کرد و تا پایان عمر خودش این رابطه را حفظ کرد. او همچنین رمانی به نام «هم خدا هم خرما» در مجله «زمانه» چاپ کرد (گوینکا، ۲۰۰۲، ۱۱-۱۳).

#### ۴- جایگاه پریم‌چند در ادبیات داستانی معاصر هند

پریم‌چند، بنیانگذار شیوه جدید داستان‌نویسی در ادبیات اردو و هندی است. وی نویسنده‌ای واقع‌گرا و پرکار و زبان او در داستان‌هایش نزدیک به زبان مردم هند و آمیخته به الفاظ اردو، فارسی و هندی است. حتی عناوین بیشتر رمان‌ها و مجموعه‌های داستانی او از جمله داستان‌های سوز وطن، کفن، میدان عمل و ... آمیخته به واژگان فارسی است (رای، ۱۹۸۶، ۵-۷). در داستان‌هایش زندگی و مشکلات مردم هند، فرهنگ عوام، نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی آن کشور، استبداد دولت انگلیس و احساسات ملی‌گرایی مردم هند منعکس شده است (تالا ۲۹۴-۲۹۶).

درواقع او نخستین داستان‌نویس است که دربارهٔ روستا و حالات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر ضد استعمار و ضد طبقه‌بندی‌های جامعهٔ هندو نوشت. به قول «شری جینندر»، پریم‌چند یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین نویسندگان زبان هندی است. در حالی که وی خود هندو بود و به طبقهٔ بالا تعلق داشت، نویسنده‌ای واقع‌گرا محسوب می‌شد که داستان‌هایش دربارهٔ مردم عادی جامعه هند بود. «رام ویلاش شرما» ناقد مشهور می‌گوید پریم‌چند فقط یک داستان‌نویس معروف نیست، مقام او بالاتر از داستان‌نویسان غربی است. او حدود پنجاه داستان ماندگار در زبان هندی دارد. او می‌گوید پریم‌چند مخصوصاً نویسنده‌ای آزادی‌خواه است (سینگ ۹۸-۱۰۱).

«شری پت راے» می‌گوید هنوز همه داستان‌های پریم‌چند بررسی نشده است و به نظر می‌رسد کار خیلی سختی باشد. در این زمینه فعالیت‌هایی صورت پذیرفته و خواهد پذیرفت. از آنجا که پریم‌چند گاهی به زبان هندی و گاهی هم به زبان اردو داستان می‌نوشت و بعداً آنها را به زبان دیگر ترجمه می‌کرد. به همین دلیل او داستان‌نویس هر دو زبان است. او می‌افزاید در این زمینه «کمل کشورگوینکا» تلاش فراوانی کرده است ولی این کافی نبوده و شناخت آثار او بررسی‌های بیشتری نیاز دارد. او در پاسخ به سؤال «چرا داستان‌های پریم‌چند آن‌قدر معروف و تأثیرگذار بوده است؟» دلیل آن را واقع‌گرایانه بودن این داستان‌ها معرفی می‌کند. در آن زمان در جامعه هند واقعاً بدبختی و نابسامانی‌های اجتماعی غوغا می‌کرد. برای مثال مردم هند به دلیل وجود اختلاف طبقاتی موجود در دین هندو و هراسی که از جانب سرمایه‌داران بر آنها تحمیل می‌شد، اجازه رفتن به معابد را نداشتند. به همین دلیل داستان‌های او داستان‌هایی انقلابی و آزادی‌خواهانه به شمار می‌رود (گپتا ۵۱).

«کرشن بهاوک» معتقد است در میان داستان‌های پریم‌چند پنج داستان برجسته وجود دارد که عبارتند از: کفن، پوس کی رات، منوویرتی، بازیگر شطرنج و عیدگاه. او می‌گوید داستان «کفن» شاهکار پریم‌چند است که در سال ۱۹۳۶ میلادی منتشر شد و بازگو کننده واقعیات جامعه هند است. «مدهوریش» در مقاله «پریم‌چند داستان‌نویس» می‌نویسد: «در داستان کفن به فقر و بدبختی در روستاهای هند آن زمان و ظلم و ستم سرمایه‌داران به فقیران و کارگران پرداخته شده است». شرما ناقد معروف معتقد است داستان‌های پریم‌چند این‌قدر تأثیرگذار است که چند فیلم از روی آن ساخته شده است. یکی از آنها «بازیگر شطرنج» است. فیلم بازیگر شطرنج بسیار موفق و شاهکار است. کارگردان این فیلم «ستیاچیت راے» کارگردان بسیار معروف سینمای هند بود. او برای این فیلم مفتخر به دریافت جایزه ملی هند شد. این داستان شاهکار را پریم‌چند در سال ۱۹۲۴ میلادی نوشت. در ادامه او می‌گوید بازیگر شطرنج یکی از داستان‌های بسیار موفق پریم‌چند است و اگر او فقط همین یک داستان را می‌نوشت برای اشتهار او و نشان دادن خلاقیت کافی بود (رای، ۱۹۸۶، ۳۳).

«شری نند دولاری واجپی» در کتابش می‌آورد که داستان‌های پریم‌چند را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: (الف) داستان‌های اجتماعی که خود شامل دو دسته است؛ داستان‌های زنان شامل آهوتی (قربانی)، شانتی (آرامش)، کایر (ترسو)، بڑے گهر کی بیٹی (دختر یک سرمایه‌دار)، نیشکاسن (اخراج)؛ و دیگری داستان‌های روستایی شامل مکت مارگ (راه نجات)، گودان (هدیه گاو)، الکیوجها (تعصب خانوادگی). (ب) داستان‌های سیاسی که میکو، ثمریاترا، تاوان،

سوز وطن و جیل از برجسته‌ترین آنهاست. (ج) داستان‌های روان‌شناختی که از آن دسته می‌توان به ماتا کا حیردی (قلب مادر)، نشا، پنچ پرمیشور، کفن و منویرتی اشاره نمود (ستیاکام ۲۹).

«پی جے بینا» معتقد است، در تاریخ ادبیات هندی یک دوره را باید به نام دوره پریم چند نامید. در آن دوره نویسندگانی از قبیل جیے شنکر پرساد، چندر دهر شرما گلیری، سدرشن، ویشمبهر ناتھ شرما کوشیک، بیچین شرما اگر، آچاریا چترسین شاستری، ویرینداون لال ورما، راءے کرشن داس، راجا رادهیکارمن پرساد سیگ. وینود شنکر ویاس، بهگوتی پرساد واجپئی، اشا دیوی میترا، حوموتی دیوی، چندرگپت ویدھیالنکار و غیره هم داستان می‌نوشته‌اند ولی داستان‌نویسی به نام پریم چند پیش رفت. دلیل اصلی این بود که داستان‌های او به فرهنگ و زندگی واقعی مردم عادی هند نزدیک‌تر بود. او درباره کشاورز، کارگر روستایی، آدم‌های بدبخت و فقیر داستان نوشت و زندگی آنان را به تصویر کشید. او می‌گفت «روح هند» در شهر نیست، بلکه در روستا است. وی معتقد بود اگر کشاورز پیشرفت نکند هند، هیچ وقت نمی‌تواند پیشرفت کند. تفکر پریم چند این بود که ادبیات تنها برای لذت بردن نیست، وظیفه ادبیات این است که در جامعه در حل مشکلات مردم و رفع نابسامانی‌های اجتماعی کوشا باشد. او می‌گفت اصل ادبیات آن است که در آن آزادی‌خواهی، واقع‌گرایی، طبیعت واقعی، ماهیت انسانی وجود داشته باشد و مردم را بیدار کند و معتقد بود که نویسنده واقعی آن است که از مشکلات مردم در جامعه باخبر باشد و نوشته‌هایش درباره مشکلات مردم عادی باشد (ویژین ۱۵۵-۱۵۶). به نظر «پی جے بینا»، «پریم چند» طرفدار وحدت بین هندوها و مسلمانان بود. او سخت مخالف افراطی‌گری و تندروی بود. در نظر او افراطی‌گری یک گناه بزرگ است. برای همه ادیان احترام خاصی قائل بود. او می‌گوید مذهب یعنی درک همدیگر، محبت و وحدت بین همه مردم و ادیان. او می‌گفت مسجد هم خانه خدا است و معابد هم خانه خدا است. وی معتقد بود که افراطی‌گری در شهر نسبت به روستا بیشتر است. همین‌طور مسجد و معابد در شهر نسبت به روستا بیشتر است (همان ۱۵۹). پریم چند در داستان معابد درباره طبقه پایین دست هندو می‌نویسد. او سؤال می‌کند چرا طبقه پایین دست هندو را جزء انسان‌ها نمی‌دانند؟ مگر خدای طبقه بالا و طبقه پایین یکی نیست؟ چرا طبقه دون پایه هندو اجازه ندارد که به معابد برود؟ او سخت مخالف طبقه‌بندی در آیین هندو بود. جالب این بود که خودش به طبقه بالای هندو تعلق داشت ولی او نظام طبقه‌بندی را قبول نداشت. همین‌طور او داستان‌هایی سیاسی بر ضد استعمار انگلیس می‌نوشت. همیشه آرزویش این بود که چگونه این

سرزمین آزاد می‌شود. در سال ۱۹۳۰ میلادی در داستان «کبرای هند» می‌نویسد الان من فقط یک آرزو دارم، این که هند چطور از دست استعمار انگلیس آزاد می‌شود. من دنبال شهرت و دولت نیستم، ولی یک آرزو دارم که قبل از رفتن از این دنیا چند تا داستان برجسته درباره آزادی کشورم بنویسم که هدف آنها آزادی‌خواهی باشد (پاندیه ۷۹).

«کنورپال سینگ» معتقد است، هنگامی که در هند استعمار انگلیس شکل گرفت و همزمان با آن تظاهرات کشاورزان هم بر ضد آن آغاز شد، کشاورزان از حکومت انگلیس خیلی عصبانی بودند ولی به دلایل تاریخی نمی‌توانستند با هم متحد شوند تا اینکه در دوران جنگ جهانی اول نهضت ملی شروع شد و مردم اتحاد بیشتری پیدا کردند. در اکتبر سال ۱۹۱۷ میلادی، وقوع انقلاب سوسیالیستی روسیه برای مردم جهان پیغامی خاصی به ارمغان آورد. هند هم از این انقلاب تأثیر پذیرفت و نهضت ملی کشاورزی بسیار قوت گرفت و روز به روز بر قوت آن افزوده می‌شد. در همین دوران پریم‌چند نیز از طریق نوشته‌هایش به بیداری مردم همت گماشت. او داستان‌هایی به نام پریم‌شرم و گرم بهومی را نوشت. هر دو داستان با مضامینی انقلابی و بر ضد استعمار انگلیس بود و از جایگاهی تاریخی در نهضت ملی برخوردار گردید (موهن ۷۰).

«شیشارتتم» نیز بیان می‌دارد پریم‌چند نویسنده‌ای برای زنان هم بود. از دیدگاه پریم‌چند، زنان قربانیان اجتماعی هستند، چه در نقش مادر و چه در نقش همسر، خواهر و غیره. در هر حال زن، زن است و جامعه هنوز به آنان حق برابری نمی‌دهد. و به زنان ظلم و ستم می‌کند. پریم‌چند درباره مقام و برتری زن می‌نویسد و مثال می‌زند که نسبت زن به مرد مانند نور است به تاریکی. اما جامعه مردسالار این دیدگاه را قبول ندارد. او معتقد است زن مانند یک شمع است که خود می‌سوزد و به دیگران نور می‌دهد. او می‌نویسد در جامعه، زن بیوه بسیار سختی می‌کشد؛ زیرا در دوران او در آیین هندو زن بیوه حق ازدواج نداشت. به همین دلیل او چندین داستان درباره زنان نوشت، مانند وردان، نرملا، غبن، رتن، پورنا و پرتیگیا. در همه داستان‌ها نقش زن نقشی برجسته و درس‌آموز برای جامعه بود (شوکلا ۹۷). به همین جهت و به دلایل مختلفی که ذکر شد، پریم‌چند نویسنده‌ای است برجسته، توانا و معروف که آثار او همه موضوع‌های اساسی انسان در جامعه هند پرتلاطم در دوره معاصر را شامل می‌شود.

۵- موقعیت و تحولات تاریخی و اجتماعی هند و تأثیر آن در اندیشه و آثار پریم‌چند  
هنگامی که نهضت ملی هند به رهبری مهاتما گاندھی، شهر گورکھپور را هم فرا گرفت،

او از شغل معلمی استعفا داد (تالا ۲۰۵-۲۰۷)، سپس سردبیری مجله ادبی زمانه را در کانپور عهده‌دار گردید. همچنین چاپخانه‌ای به نام سرسوتی پریس با مساعدت برخی از دوستانش تأسیس کرد تا نوشته‌هایش را در آنجا به چاپ برساند، درآمد خوبی نیز داشته باشد، اما دچار مشکل شد (گوینگا، پریم‌چند ویشواکوش، ج ۱، ۱۹۳۱، ۷۶). بنابراین به عنوان مشاور ادبی تا سال ۱۹۳۱ میلادی به همکاری با مجله مادهوری پرداخت و همزمان با همکاری پسر عمویش چاپخانه خودش را نیز اداره می‌کرد. پس از سال ۱۹۳۱ میلادی صرفاً به کار چاپخانه پرداخت و مجله‌ای به نام «هنس» منتشر ساخت. هدف وی از تأسیس این مجله انتشار نوشته‌های ادبی و مطالب فرهنگی و اصلاح جامعه هند بود. در سال ۱۹۳۶ میلادی به علت مشکلات مالی، مجله مذکور به سرپرستی «بهارتیه ساهیتی پریشد» (انجمن ادبی هند) به ریاست مهاتما گاندهی در آمد که امور مالی و اداری آن به دست تاجران بود و هم آنان پریم‌چند را مجبور به ترک مجله کردند که این امر برای او بسیار ناخوشایند بود. در همان زمان انجمنی از روشنفکران به نام «هندوستانی اکیڈمی» به سرپرستی «تاراچند» تأسیس شد (دیوی ۷۶) و «پریم‌چند» که دیگر به سبب نوشته‌هایش شهرت یافته بود، به عضویت دائمی آن برگزیده شد و کارهای ترجمه انجمن به او واگذار گردید. از اهداف این انجمن رفع مشکل بین دو زبان هندی و اردو در جامعه هندوستان بود. بدین منظور می‌کوشیدند تا زبان هندی را با حفظ واژگان اردو و فارسی در آن احیا کنند و نام چنین زبانی را هندوستانی گذاشتند. پریم‌چند برای نیل به آن، کارهای شایسته‌ای انجام داد. او همچنین در سال ۱۹۳۶ میلادی با همکاری سجاد ظهیر، نویسنده معروف زبان‌های اردو و هندی، مولوی عبدالحق مشهور به بابای اردو، احمد علی و دیاناراین نگم، «انجمن ترقی خواه مصنفین» را تأسیس کرد و در نخستین جلسه آن در ۹ آوریل ۱۹۳۶ میلادی در لکهنو در مقام رئیس آن سخنرانی کرد (گوینگا، ج ۱، ۲۱۵، ۱: زمانه، ماه فوریه ۱۹۲۷، ۸۰). پریم‌چند در همان سال دچار بیماری شد و سرانجام در ۱۸ اکتبر ۱۹۳۶ میلادی در گذشت.

پریم‌چند زندگی ادبی خود را با زبان اردو آغاز کرد، اما آرزو داشت که به زبان هندی نیز بنویسد. به همین دلیل رمان اردوی هم خدا هم خرما را از اردو به زبان هندی ترجمه و به نام پریم‌چند در سال ۱۹۰۷ میلادی در چاپخانه «انڈین پریس» اله‌آباد چاپ کرد. پریم‌چند در همین دوران از عقاید «سوامی ویویکانند» تأثیر پذیرفت و یک مقاله درباره آن نوشت که در سال ۱۹۰۸ میلادی در مجله زمانه منتشر شد. اولین مجموعه داستان او به نام «سوز وطن» در سال ۱۹۰۸ میلادی در چاپخانه «زمانه» در کانپور منتشر شد. اما دولت انگلیس با این کتاب که حاوی درونمایه ملی‌گرایانه بود مخالفت کرد و پریم‌چند را تهدید کرد و از او تعهد گرفت هر

کتابی که می‌نویسد ابتدا از دولت انگلیس مجوز بگیرد و بعد به چاپ برساند. مأموران انگلیسی باقیمانده هفتصد جلد کتاب سوز وطن را آتش زدند.

وی از این رخداد عمیقاً اندوهناک بود و حاضر نبود که زیر بار تعهد مأموران انگلیسی برود و نوشته‌هایش را زیر نظر آنها به چاپ برساند، او به دنبال راه فراری بود. در همین دوران تعدادی از داستان‌هایش را بدون اسم نویسنده چاپ می‌کرد. که یکی از آنها، داستان معروف «رانی ساراندها» بود. او هنوز از این موضوع ناراحت بود که مدیر مجلهٔ زمانه (دیا ناراین نگم) به او پیشنهاد داد داستان‌هایش را به نام پریم چند بنویسد. او فوراً این نام مستعار را پذیرفت و با نام پریم چند شروع به نوشتن کرد. اولین داستان او با این اسم جدید در سال ۱۹۱۰ میلادی (ماه دسامبر) در زمانه با عنوان «بڑے گھری بیٹی» (دختر یک خانوادهٔ سرمایه‌دار) منتشر شد (گوینکا، ۲۰۰۲، ۱۷-۲۳).

پریم چند پس از حدود سیزده سال نوشتن به زبان اردو تصمیم گرفت به زبان هندی نیز بنویسد. اولین داستان او به زبان هندی به نام سوت در سال ۱۹۱۵ میلادی (ماه دسامبر) در مجلهٔ «سرسوتی» منتشر شد. اولین مجموعهٔ داستان او به زبان هندی در سال ۱۹۱۷ میلادی در چاپخانه «هندی پستک ایجنسی» در گورکھپور به نام سپت سروج منتشر شد. این کتاب مجموعه هفت داستان بود (بڑے گھری بیٹی، سجنٹا کا ڈنڈ، نمک کا داروگا، اپدیش، سوت، پنج پریشور، پریکچھا). سیواسدن اولین رمان موفق او به زبان هندی بود که در سال ۱۹۱۸ میلادی (ماه دسامبر) در چاپخانهٔ «هندی پستک ایجنسی» در هیرسین روڈ کلکتہ به چاپ رسید و این اولین رمان انقلابی بود که به زبان هندی منتشر می‌شد و همین رمان به نام بازار حسن به زبان اردو منتشر گردید (همان ۲۳-۲۹). در همین دوران با مدیر رسالهٔ اردو زبان «کھکشان»، امتیاز علی تاج ملاقات کرد. امتیاز علی تاج چندین داستان و رمان پریم چند را در رسالهٔ «کھکشان» چاپ کرد. پریم چند در سال ۱۹۲۱ میلادی از سخنرانی مهاتما گاندهی خیلی تأثیر پذیرفت. او دربارهٔ مهاتما گاندهی می‌نویسد که مهاتما گاندهی یک مرد بسیار ساده، بزرگ و وطن‌پرست است. او می‌خواهد مردم هند را از دست استعمار انگلیس نجات بدهد، او رهبر واقعی مردم است و از مردم هند تقاضا کرد که با او همکاری کنند. این مقاله در سال ۱۹۳۱ میلادی در مجلهٔ «هنس» منتشر شد (همان ۳۷-۳۹). داستان معروف دیگر وی تحت عنوان بازیگر شطرنج در سال ۱۹۲۴ میلادی (ماه اکتبر) در ماهنامهٔ «مادهوری» در لکهنو منتشر شد. در همین سال داستان‌های پریم چند، مریادا، سودیش، آج، شری شاردادا، چاند، سرسوتی و غیره منتشر شد. پریم چند برای وحدت ملی و وحدت بین مسلمانان و هندوها کارهایی ستودنی انجام داد. برای

مثال در نمایشنامه «کربلا» شهادت مظلومانه حضرت امام حسین به دست یزید را در قالب یک حادثه دردناک نوشت. این نمایشنامه در سال ۱۹۲۴ میلادی (ماه نوامبر) منتشر شد (همان ۴۷-۴۹). رمان معروف رنگ بهومی (چوگان هستی) در سال ۱۹۲۵ میلادی (ماه فوریه) در «گنگا پستک مالا دفتر» در لکهنو منتشر شد. داستان موئے رام جي کي شاستري در سال ۱۹۲۸ میلادی در ماهوری در لکهنو منتشر شد. در سال ۱۹۲۸ میلادی داستان‌های او در خارج از کشور به زبان‌های ژاپنی، روسی، فرانسوی، آلمانی، انگلیسی و غیره ترجمه شد. رمان کرم بهومی را در سال ۱۹۳۲ میلادی در (ماه سپتامبر) منتشر کرد و آخرین رمان او به نام گودان در سال ۱۹۳۶ میلادی منتشر شد (همان ۵۳-۷۵). در مجموع پریم چند حدود ۳۰۰ داستان، ۱۵ رمان، ۳ نمایشنامه نوشت و ۱۰ کتاب را نیز ترجمه کرد. از تعدادی از داستان‌های پریم چند فیلم و سریال ساخته شده است. از داستان و رمان‌های معروف او می‌توان به چوگان هستی، گودان، میدان عمل، جلوه ایثار، گوش عافیت، نرملا، بیوه، غبن، سپت سروج، پریم پورنیما، پریم پچیسپی، پریم پرسون، کربلا، سوت، پریم، سوز وطن، پنچ پریشور، کرم بهومی، شطرنج کے کھلاڑی، مزدور، عیدگاه، نشا، آتمارام، وردان، کایاکلپ، منورما، کفن، پوس کی رات، نمک کا داروگا، بڑے بھائی، بڑے گهر کی بیٹی، سدگتی، پریکچھا، بوڑھی کاکي و ... اشاره کرد.

۶- در جدول زیر آثار پریم چند به ترتیب زمان انتشار آنها آورده شده است:

(۱) اسرار معابد (۲) هم خدا هم خرما (۳) اولیور کرام ویل	۱۹۰۳ تا ۱۹۰۶ م
(۱) دنیا کا سب سے انمول رتن (۲) شیخ مخمور (۳) رانی ساراندھا (۴) راجا هردول (۵) آلها (۶) راج حتیا (۷) اندھیر (۸) میلاپ ایک آواز (۹) کرموں کا پہل (۱۰) ساماجیک پریم اور دیش پریم (۱۱) شیکار (۱۲) پاپ کی آگنی کو نڈ (۱۳) آخري منزل (۱۴) مماتا (۱۵) دهرم سنکت (۱۶) تیریا چریترا (۱۷) نمک کا داروگا (۱۸) نیکی (۱۹) شوک کا پرسکار (۲۰) بڑے گهر کی بیٹی (۲۱) غریب کی حاسے (۲۲) ویکرامادیتیا کاتیگا (۲۳) نصیحتوں کا دفتر (۲۴) اماوس کی رات (۲۵) بانکا زمیندار (۲۶) امرت (۲۷) پریم (۲۸) روٹھی رانی (۲۹) کیشنا (۳۰) سوز وطن (۳۱) جلوه ایثار	۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳ م
(۱) خون سفید (۲) انا تھ لڑکی (۳) شیکاری راجکمار (۴) اپنی کرنی (۵) پچھتاوا	۱۹۱۴ م



۱۹۱۵م	(۱) ویسمیتی (۲) بیٹی کا دھن (۳) ست-۱ (۴) عورت کی کنار (۵) سوت
۱۹۱۶م	(۱) دوبھائی (۲) گھمنڈ کا پوتلا (۳) سجنٹا کا ڈنڈ (۴) جنون کی چمک (۵) پنج پر میثور (۶) دھوکھا
۱۹۱۷م	(۱) مریدا کی بیٹی (۲) ایشوری نیاے (۳) دورگا کا مندر (۴) جوالا موکھی (۵) مہاتیر تھ (۶) اپدیش (۷) کپتان صاحب (۸) سپت سروج (۹) نونیدھی
۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹م	(۱) فتح (۲) سیوا مارگ (۳) بلیدان (۴) وفا کا خنجر (۵) سیوا سدن (۶) مہاتما شیخ سعدي
۱۹۲۰م	(۱) آتمارام (۲) منوش کا پریم دھرم (۳) پتر پریم (۴) دفتری (۵) عزت کا خون (۶) میرتو کے پیچھے (۷) پشو سے منوش (۸) برہما کا سوانگ (۹) پریم بتیسی (۱۰) پریم پورنیما
۱۹۲۱م	(۱) ویجیتا حولی (۲) آدرش ویرودھ (۳) پرار بدھ (۴) بوڑھی کا کی (۵) ویشم سمسیا (۶) لاگ-دات (۷) تیاگی کا پریم (۸) ویما تا (۹) لال فیتا (۱۰) شانتی-۱ (۱۱) وردان
۱۹۲۲م	(۱) موٹھ (۲) ادھی کار چینتا (۳) حار کی جیت (۴) چکما (۵) سوات رکچھا (۶) پرو سنسکار (۷) بازار حسن (۸) پریم شرم
۱۹۲۳م	(۱) نیراشیا لیل (۲) ستیا گراہ (۳) گرہ داہ (۴) آبهوشن (۵) کوشل (۶) بورھم (۷) آپ بیٹی (۸) حضرت علی (۹) پریکچھا (۱۰) راج بھکت (۱۱) پریم پچیسی (۱۲) سنگرام
۱۹۲۴م	(۱) بھوت (۲) نیرو سن (۳) موکتی دھن (۴) سوہاگ کے کوڑے (۵) ورجپات (۶) نبی کا نیٹی ندر واه (۷) سوا سیرگیہوں (۸) تینتر (۹) دیکچھا (۱۰) موکتی مارگ (۱۱) وینود (۱۲) سیلانی بندر (۱۳) اددھار (۱۴) نیراش (۱۵) چھما (۱۶) شطرنج کے کھلاڑی (۱۷) پریم چند: ویویدہ آیام (۱۸) کر بلا (۱۹) پریم پرسون
۱۹۲۵م	(۱) سہیتا کارحسے (۲) نرک کا مارگ (۳) ڈنڈ (۴) چوری (۵) دھی کار-۲ (۶) سورگ کی دیوی (۷) ڈی کری کے روپ (۸) م ندر اور مسجد (۹) ویشواس (۱۰) ماتا کا حیردے (۱۱) بھاڑے کا ٹنو (۱۲) رنگ بھومی (۱۳) پریم پرتیما

۱۹۲۶م	(۱) لیلیا (۲) کجاکی (۳) تانگه والے کی بڑ (۴) حنسا پر مود هرم (۵) شودرا (۶) پریم سوتر (۷) راملیلا (۸) بحیشکار (۹) منتر-۱ (۱۰) لاندن-۱ (۱۱) نیمنترن-۱ (۱۲) کایا کپ (۱۳) پریم دعاسی (۱۴) پریم پرمود
۱۹۲۷م	(۱) بڑے بابو (۲) کامنا تارو (۳) ملنگ کی گھڑی (۴) شادی کی وجہ (۵) سوجان کی بھگت (۶) آتم سنگیت (۷) سقی (۸) مندر (۹) ایکٹریس (۱۰) نرملا (۱۱) خواب و خیال
۱۹۲۸م	(۱) دارو گاجی (۲) دو سکھیاں (۳) پیسنحاری کا کنواں (۴) بوجنی (۵) ابھیلا شا (۶) ویدروچی (۷) سوھاگ کا شو (۸) استفاء (۹) آگا پیچھا (۱۰) اگنی سمادھی (۱۱) منتر-۲ (۱۲) موٹے رام شاستری (۱۳) بیوہ (۱۴) چوگان ہستی (۱۵) فردوس خیال (۱۶) گلپ رتن (۱۷) گوش عافیت (۱۸) آب وطن کے قصہ (۱۹) ماروک (۲۰) پنچ پھول (۲۱) پرتیگیا (۲۲) پریم چتورتھی (۲۳) پریم پرتیگیا (۲۴) پریم تیرتھ
۱۹۲۹م	(۱) خوچڑ (۲) گ ہرج مانی (۳) کانونی ک مار (۴) کوچ (۵) الگ یوجھا (۶) گھا سوالی (۷) پراشچیت (۸) گولی ڈنڈا (۹) مان (۱۰) نیامے (۱۱) فاتیجا (۱۲) پروت یاترا
۱۹۳۰م	(۱) دو قبریں (۲) سوہاگی (۳) جولوس (۴) آہوتی (۵) پوس کی رات (۶) پتی سے پتی (۷) می کو (۸) دھیا کار-۱ (۹) شراب کی دوکان (۱۰) ٹمر یاترا (۱۱) پریم چالیسا (۱۲) سپت سومن
۱۹۳۱م	(۱) پریر نا (۲) ڈیمونسٹریشن (۳) آخری لیلیا (۴) لانچ ہن-۲ (۵) شات (سیرہ درویش) (۶) دو بیولوں کی کتھا (۷) سدگتی (۸) پریم کا اودے (۹) تاوان (۱۰) جیل (۱۱) آخری تحفا (۱۲) لیکھک (۱۳) ڈھاپورسنخ (۱۴) سوامینی (۱۵) انماد (۱۶) سوت-۲ (۱۷) دوسری شادی (۱۸) حولی کا اچار (۱۹) غبن
۱۹۳۲م	(۱) بیٹوں والی ویدھوا (۲) گلیا (۳) کوڈسا (۴) ٹھا کور کا کنواں (۵) کو سوم (۶) ڈا مول کا قیدی (۷) جھانکی (۸) چمتکار (۹) کرم بھومی (۱۰) پریم کی ویدی
۱۹۳۳م	(۱) عید گاہ (۲) کایر (۳) قیدی (۴) جیوتی (۵) رسیک سمپادک (۶) بالاک (۷) دل کی رانی (۸) ویشیا (۹) نیور

<p>(۱) د بڑے بھائی صاحب (۲) م نویری (۳) م فت کادیش (۴) جادو (۵) شانتی (۶) خدائی فوجدار (۷) باسی بہات میں خدا کا ساچھا (۸) شانتی-۲ (۹) ذشا (۱۰) ریا ست کادیوان (۱۱) دودھ کا دام (۱۲) پنڈت موٹو رام کی ڈايري</p>	۱۹۳۴م
<p>(۱) کفن (۲) رحصہ (۳) کریکٹ میچ (۴) دوہدین (۵) میدان عمل (۶) نوجیون (۷) پریم پیوش</p>	۱۹۳۵م
<p>(۱) گودان (۲) مہاجتی سہیتا</p>	۱۹۳۶م

همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، آثار پریم‌چند بسیار فراوان و متنوع است و در قالب رمان، داستان کوتاه و به زبان‌های اردو و هندی نوشته شده است که معرفی مختصر هر یک از آنها نیازمند تألیفی جداگانه است و از حوصله این مقاله خارج است. برای آشنایی هر چند مختصر با سبک نویسندگی وی در اینجا یکی از داستان‌های کوتاه و مشهور وی به نام بازیگر شطرنج ترجمه و به اختصار آورده شده است تا خوانندگان با اندیشه و آثار وی آشنایی بیشتری پیدا کنند.

#### ۷- خلاصه داستان بازیگر شطرنج

در این داستان معروف که در سال ۱۹۲۴ میلادی نوشته شده است، رفتار دو شخصیت بیش از دیگران اهمیت دارد. میرزا سجّاد علی و میر روشن علی دو شخصیت اصلی داستان‌اند. این دو نفر عاشق بازی شطرنج بوده و چون هر دو شهردار منطقه‌های خودشان‌اند، وضع مالی خوبی داشته و نیاز به کار کردن ندارند. به همین دلیل همیشه برای خوشگذرانی شطرنج بازی می‌کنند. معمولاً هر روز بعد از صبحانه، بازی شطرنج شروع می‌شود. چون این وقت زمانی است که خانم میرزا که شطرنج بازی شوهرش را دوست ندارد، می‌خوابد. میرزا در نزد خانمش اظهار می‌کند که میر روشن علی مقصر است و خود او به بازی علاقه‌ای ندارد. این دروغی است آشکار، ولی خانم میرزا از آن بی‌خبر است و ضمن مقصر دانستن میر روشن علی، اسم او را میر بدکار می‌گذارد. روزی خانم میرزا به سردردی شدید دچار می‌شود و کنیز خود را نزد میرزا می‌فرستد تا از او بخواهد، نزد پزشک رفته و برایش دارو بیاورد. ولی او به قدری به بازی شطرنج معتاد شده است که به راحتی نمی‌تواند از آن بگذرد. میرزا برای رفتن به بازار چندین بهانه آورد، ولی خانم میرزا تهدید می‌کند که اگر میرزا به نزد پزشک نرود،

خودش این کار را خواهد کرد. به همین دلیل میر روشن علی که در حال باختن بود، ترجیح می‌دهد که فعلاً بازی را ترک کند و به میرزا هم اجازه دهد تا به کارهایش برسد (تا این مرحله پریم چند خیلی خوب طنز را به تصویر کشیده است). میرزا با ناراحتی داخل اندرونی رفت و صحبت‌های خانمش را گوش کرد و با دلایل مختلف برای خانمش ثابت کرد که میر روشن علی مقصر بوده و خودش بی‌تقصیر است. خانم میرزا تا حدودی قانع می‌شود که شوهرش آدم خوبی است، ولی چون میر روشن علی دوست او است، نمی‌تواند به او نه بگوید. به همین دلیل تصمیم می‌گیرد، خودش به میر روشن علی بگوید. بنابراین از اتاق بیرون می‌آید و نزدیک دروازه سالن می‌ایستد و داخل اتاق بازی نمی‌رود؛ چون مسلمان است و بدون حجاب نمی‌تواند نزد مردی نامحرم برود. میر روشن علی در غیاب میرزا چند مهره بازی را تغییر داده و برای شک نکردن میرزا در بیرون از اتاق بازی راه می‌رفت. خانم میرزا این فرصت را غنیمت شمرده، داخل اتاق بازی رفته و بازی را به هم می‌زند و حتی چند مهره را هم بیرون می‌اندازد. میر روشن علی که شرایط را مناسب نمی‌بیند، ترجیح می‌دهد به خانه خودش برود. بعد از چند دقیقه میرزا به خانه میر روشن علی می‌آید. میر روشن علی عصبانی است و او به میرزا می‌گوید که تو نمی‌توانی خانمت را کنترل کنی و همچنین پیشنهاد می‌دهد که بازی بعدی در خانه او برگزار شود.

از اینجا به بعد داستان تغییرات اندکی می‌کند. به قول پریم چند خانم میر روشن علی دوست نداشت شوهرش در خانه بماند و دلیل آن هم مشخص نبود و تا انتهای داستان نیز روشن نشد. راوی اظهار می‌دارد، این مسأله دو دلیل می‌توانست داشته باشد. دلیل اول شاید عدم آزادی خانم میر روشن علی بود و دلیل دیگر آرامش‌طلبی نوکرها و کنیزها و خستگی آنها از قلیان چاق کردن، شیرینی آوردن و ... می‌توانست باشد؛ زیرا آنها همیشه در مورد بدی بازی شطرنج صحبت می‌کردند و حتی پیش خانم میر روشن علی می‌گفتند، بازی شطرنج آن قدر بد است که اگر کسی در خانه بازی کند، برکت از خانه‌اش می‌رود، مردم مریض می‌شوند و غیره (پریم چند اینجا می‌گوید که همیشه در جامعه این چنین آدم‌های خودخواه وجود داشته‌اند، دارند و خواهند داشت). هرروز این دو نفر در خانه میر روشن علی بازی می‌کردند. گاهی در طول بازی با هم دعوا می‌کردند و دوباره صلح می‌کردند. این قضیه همچنان ادامه داشت. در این میان یک روز خانم میر روشن علی از طریق یک افسر نظامی، پیغامی دروغ برای شوهرش فرستاد که پادشاه فرمان داده است تا وی فوراً در دربار حاضر شود. بعد از این ماجرا هر دو تصمیم می‌گیرند که در آینده برای بازی به یک مسجد قدیمی و متروکه در بیرون از شهر

بروند. هر روز آنها بازی می‌کردند. حتی ناهار را در همان جا تهیه می‌کردند و قلیان نیز می‌کشیدند. یک روز در هنگام بازی، نظامیان انگلیسی که برای حمله به شهر لکهنو آمده بودند، از آنجا رد می‌شدند. چون در آن موقع میر روشن علی داشت بازی را می‌باخت، برای اینکه حواس میرزا را پرت کند به او گفت در شهر مشکلات زیادی به وجود آمده و لازم است میرزا به آنها توجه کند. از طرف دیگر میرزا که داشت بازی را می‌برد، برایش این مسائل مهم نبود. آنها تا ساعت سه بعد از ظهر بازی می‌کردند. تا آن موقع نظامیان انگلیسی پادشاه نواب واجدعلی شاه را اسیر کرده بودند و داشتند از آنجا بر می‌گشتند. در ساعت چهار بعد از ظهر کل شهر لکهنو ساکت و خاموش بود. در ادامه بازی که میرزا داشت بازی را می‌باخت با زیرکی به همدردی با واجدعلی شاه پرداخت و به ظاهر برای او اظهار دلسوزی نمود و به میر روشن علی تهمت بی‌دردی و خودخواهی و غیره زد. میرزا بازی را باخت و ناراحت شد. میر روشن علی می‌خواست برای ماتم نواب واجدعلی شاه مرثیه بخواند، ولی میرزا برای بازی مجدد فوراً آماده شد، زیرا به هر نحو ممکن می‌خواست بازی را ببرد و انتقام بگیرد. پس از چند بار بازی کردن تا بعد از ظهر، میرزا سه بار بازی را باخت. در هنگام باخت چهارم مانند یک سرباز شکست خورده از روی عجز به تقلب روی آورد. از طرف دیگر میر روشن علی خیلی شاد بود، شوخی می‌کرد و آواز می‌خواند. در طی بازی سر تقلب کردن شروع به بحث و مجادله کردند. بحث این قدر زیاد شد که کار به ناسزاگویی به یکدیگر کشید و در آخر نیز نتوانستند یکدیگر را تحمل کنند. شمشیرشان را بیرون آوردند و هر یک به دست دیگری کشته شد.

#### ۸- نقد و تحلیل داستان بازیگر شطرنج

بازیگر شطرنج داستانی با درونمایه سمبلیسم اجتماعی است و به اوضاع سیاسی هند، قبل از تسلط انگلیس می‌پردازد. نویسنده، شهر لکهنو را مجازاً به جای کشور هند قرار می‌دهد و پادشاه و طبقه حاکم آن را در جایگاه حاکمان هند می‌نشانند. این داستان، حکایت استفاده استعمار از فرصت‌های مناسب، و داستان غفلت جهان سومی‌هاست زمانی که امپریالیزم برای استثمار آنها مشغول برنامه‌ریزی و طرح و نقشه است. بازیگر شطرنج جامعه‌ای خواب‌زده، ناآگاه و بی‌خبر را تصویر می‌کند که نه تنها اسیر اوهام و خیالات واهی و پوچ‌اند؛ بلکه ملیت و میهن‌پرستی خود را هم از دست داده‌اند. به همین دلیل وقتی با واقعیت‌های عینی تاریخی هم روبه‌رو می‌شوند، کاری نمی‌کنند و بی‌توجه و بدون دغدغه از کنار آن می‌گذرند.

ساخت داستان، بیشتر به نمایشنامه نزدیک است. نویسنده به عنوان روایت‌گر تاریخ، مقداری فضا سازی می‌کند، سپس قهرمانان داستان را وارد عرصه گفتگو می‌نماید و به آنها مجال این را می‌دهد که فکر و خواست خود را به بیان در آورند. وی بدین وسیله به عنوان مشت‌نمونه خروار، تفکر حاکم بر جامعه و شیوه زیست قشر خاصی را که همان قدرتمندان و متنفذان جامعه‌اند، نشان می‌دهد.

دیدگاه طنزآمیز داستان نیز قابل تأمل است. طنز تلخی که ریشه چرکین دردهای اجتماعی را می‌شکافد و واقعیت‌های پشت پرده را با صمیمیت آشکار می‌سازد. نویسنده خود بیدار و آگاه است. عمق فاجعه را دیده است. علت افتادن هند به چنگال دیو استعمار را می‌داند و می‌کوشد از این طریق روح جمعی جامعه را بیدار کند. داستان بازیگر شطرنج، برشی کوتاه است از کلیتی که تمام طبقه حاکم را در بر گرفته است و غفلتی که سقوط همه چیز را به دنبال دارد؛ سقوط اخلاق، سقوط ارزش‌های انسانی، سقوط هنجارها، سقوط عشق و ایمان نسبت به وطن و سرانجام سقوط در مقابل دشمن. نویسنده با هوشیاری گوشه‌ای از زندگی انگل‌وار حاکمان را در کنار وقایع تاریخی قرار داده و در لابلای حوادث، خود به اظهار نظر و داوری می‌پردازد. شاید از این طریق نویسنده می‌خواهد به خواننده خود کمک کند تا کاملاً جذب داستان نشود و در عین لذت بردن از پی‌گیری رویدادها، به خاطر داشته باشد که هدف راوی، فقط تصویر زندگی روزمره دو شطرنج باز نیست بلکه او روزمرگی تک‌تک افراد طبقه حاکم و خیانت آنها را نسبت به آرمان‌های بشری و غفلت آنان را در انجام وظایفشان، نشان می‌دهد. او همچون طیبی حاذق، ریشه درد را پیدا می‌کند، علت نابسامانی و شکست را می‌یابد و آن را به خواننده خود نیز می‌نماید.

بازیگر شطرنج یکی از داستان‌های موفق پریم‌چند است، اگر او فقط همین یک داستان را به عالم ادبیات عرضه می‌کرد، برای اشتهار او و برای نشان دادن خلاقیت و نبوغش در داستان‌نویسی کافی بود.

### نتیجه

در تاریخ ادبیات معاصر هند، نویسندگان بسیاری وجود داشته و دارند، اما از آن میان نه تنها نقش برخی به دلیل فضل تقدم و تقدم فضل؛ که از لحاظ جریان‌سازی ادبی که در جامعه ایجاد نموده‌اند و حتی زمینه‌های بیداری ملی را فراهم آورده‌اند، برجسته‌تر است. یکی از این نویسندگان جریان‌ساز بی‌شک پریم‌چند است. پریم‌چند بنیانگذار شیوه جدید داستان‌نویسی در ادبیات اردو و

هندی است. او نخستین داستان‌نویس است که به شیوه رئالیستی دربارهٔ روستا و حالات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر ضد استعمار و ضد طبقه‌بندی در آیین هندو نوشت. به دلیل همین توجه به واقعیت‌های کشور خود، و احساس خطر از حضور استعمار انگلیس و نگرانی از وجود نظام طبقاتی در کشور، مورد توجه بسیاری از نویسندگان و حتی مردم هند قرار گرفت و از این بابت تأثیر عمیقی در اجتماع هند و حتی داستان‌نویسان بعد از خود به جای گذارد. اولین مجموعه داستان او به نام سوز وطن در سال ۱۹۰۸ میلادی هراسی در دل انگلیسی‌ها ایجاد نمود، به نحوی که آنها ضمن آتش زدن نسخه‌های بسیاری از آن کتاب، او را وادار کردند تا برای انتشار هر گونه اثری از انگلیسی‌ها مجوز بگیرد. با این حال او هیچ‌گاه از در انداختن دردها و رنج‌های مردم و آشکار کردن نیت استعماری انگلیسی‌ها خودداری نمی‌کرد. این موضوع انگلیسی‌ها را ناراحت و ناامید می‌نمود به گونه‌ای که گاه آنها را به موضع‌گیری خصمانه با او می‌کشاند. با این حال وی حاضر نبود که زیر بار تعهد مأموران انگلیسی برود و نوشته‌هایش را زیر نظر آنها به چاپ برساند، بنابراین در همین دوران تعدادی از داستان‌هایش را بدون اسم نویسنده چاپ کرد.

وی نویسنده‌ای پرکار بود و آمیختگی زبان او به الفاظ و واژگان اردو، فارسی و هندی، پیوندی میان آن سه زبان در داستان‌هایش ایجاد نمود. از این روی اندیشه‌های او می‌توانست مورد توجه مردم فارسی‌زبان و اردو زبان نیز قرار گیرد. وی ضمن نگارش داستان‌هایی به زبان اردو و هندی، به واژگان فارسی نیز نظر داشته است. چنان‌که علاوه بر انتخاب عناوینی فارسی برای بیشتر رمان‌ها و مجموعه‌های داستانی‌اش از جمله داستان‌های سوز وطن، کفن، میدان عمل و ... گاه و بی‌گاه از واژگان فارسی در خلال داستان‌هایش نیز بهره گرفته است.

داستان بازیگر شطرنج نمونه‌ای از دنیای فکری پریم‌چند است که به زبان تمثیلی و رمزی با جهت‌گیری بیان اهداف اجتماعی و سیاسی، اوضاع جامعه غفلت زده خویش را به تصویر کشیده است. اجمالاً نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که پریم‌چند از حیث به کارگیری شیوه‌ها و شگردهای رئالیستی با رویکرد مقاومت در برابر استعمار برای بسیاری از داستان‌نویسان معاصر هند الگو قرار گرفته است و حتی توانست در بیداری جامعهٔ هند مؤثر باشد.

### Bibliography

- Alrahaman, Shakil. (1992). *Premchand ka fan* (Arts of Premchand). India New Delhi.
- Azand, Yaqub. (1373/1994). *Adabiyat Dastaani dar Iran va Mamalek Islami* (Story Writing in Iran and Islamic Countries). Tehran. Aryen Publications.

- Bagheri, Mehri.(1384/2005).*Tarikhe-e Zabane-e Farsi* (History of Persian Language). Tehran. Ghatre Publications.
- Devi, Shivrani. (1974). *Premchand Hindi aur Urdu* (Premchand Hindi and Urdu). India Delhi.Gharmen Publications.
- Goenka, Kamal Kishor. (2002). *Premchand Ba Tasvir Savanh* (Premchand with Photo). India New Delhi. NCPUL Publications.
- .(1924). *Premchand*. India New Delhi. NCPUL Publications.
- . (1986). *Premchand aur Shatranj ke Khiladi* (Premchand and Chess Player). India Delhi. Parvadya Publications.
- . (1931). *Premchand Life*. Vishvakosh vol.1: India Allahabad.
- Gopal, Madan, (2006). *My Life and Times: Premchand* (An Autobiographical Narrative). India New Delhi. Roli Publications.
- Gupta, Sushila. (2004). *Premchand ka Rachna Sansar* (Premchand and his Literary World). India Mumbai. Hindustani Prachar Sabha Publications.
- Hussiani, Ali Abbas. (2005). *Urdu Novel ki Tarikh aur Tanqid* (Criticism and History of Urdu Novel). India Aligarh. Educational Book House Publications.
- Jain, Gyanchand. (1998). *Tarikh Urdu Adab* (History of Urdu Literature). India New Delhi. NCPUL Publications.
- Kanwal, Ibne. (2003). *Dastan se Novel tak* (From Story to Novel). India New Delhi. SN Language Academy Publications.
- Kumar, Rajindar. (2005). *Contemporary Story Writing in India* (Hindi-Urdu). India Delhi. Delhi University publications.
- Mohan, Narendra. (1980). *Premchand aur Uska Rachna* (Premchand and his Works). India New Delhi.
- Naqvi, Nurul Hasan. (2007). *Tarikhe-e Urdu Adab* (History of Urdu Literature). India Aligarh. Educational Book House Publications.
- Pal, Jogindar. (2003). *Premchand ki kahaniya* (Stories of Premchand). India New Delhi. NCPUL Publications.
- Pandey, Geetanjali. (1989). *Between two Worlds: An Intellectual Biography of Premchand*. India New Delhi
- Premchand. (2000). *Shatranj ke Khiladi* (Chess Player). India New Delhi. Maktab Jamia Limited Publications.
- Raes, Qamar. (2005). *Premchand ka Tanqidi Mutaleya be Haisiyate Novel Negar* (Critical Study of Premchand as a Novel Writer). India New Delhi. NCPUL Publications.
- . (1992). *Afsane-e Jadid* (New Short Story). India Delhi.Urdu Academy Publications.



- Roy, Amrit. (1959). *Premchand Smirti*. India Allahabad.
- . (1986). *Premchand: Kalam ka Sipahi* (Premchand Master of Writing). India Allahabad. Hans Publications.
- Satyakam. (2004). *Premchand ki Kahaniya* (Stories of Premchand). India Patna. Anupam Publications.
- Shukla, Acharya Ramchandra. (2007). *Hindi Sahitya ka Etihad* (History of Hindi Literature). India New Delhi. Sansthan Publications.
- Singh, Fanish. (2000). *Premchand evam Gorky ka Katha Sahitya ek Adhayan* (A Study of Story Literature of Premchand and Gorky). India New Delhi. Har Anand Publications.
- Tala, Manak. (1993). *Premchand aur uski Rachna* (Premchand and his Works). India New Delhi.
- Vijayan, P.V. (2005). *Premchand Sahitya aur Samvedna* (Premchand Literature and Thought). India Mathura. Jawahar Library Publications.
- Woofi, Mohammad. (1902). *Lababul Albab volume-2*. Cambridge Publications.
- Yogendra, (2006). *Premchand ki vaicharik samvedna* (Thoughts of Premchand). India New Delhi. Yuva Samvad Publications.